

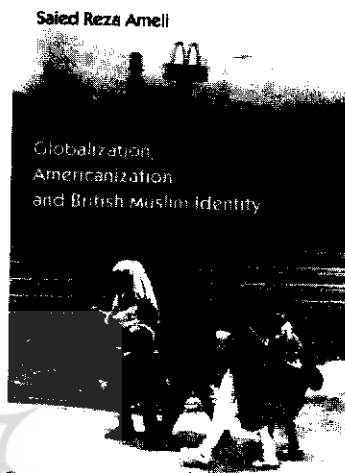
دانشگاه تهران و عضو دانشکده مطالعات پیشرفته اسلامی در لندن به رشته تحریر در آمده است، به دنبال نشان دادن تأثیرات فرایند جهانی شدن بر هویت مسلمانان انگلیس است. نویسنده، واکنش جامعه مسلمان انگلیس نسبت به نیروهایی که موجب جهانی شدن می‌شوند را در شکل پاسخ‌هایی جهت هم‌شکلی با این فرایند و با تنوع‌گزینی و فاصله‌گیری از آن می‌داند. از نظر وی، عوامل مؤثر بر هویت‌یابی، به غیر از نیروهای محلی و جهانی که در نظریه جهانی - محلی شدن^۱ رابرتسون^۲ قبلاً مفهوم‌سازی شده است، از عوامل تاریخی نیز تأثیر می‌پذیرد. در چهارچوب مفهومی پیشنهاد شده در کتاب، فرایندهای همگون‌سازی^۳ و ناهمگون‌سازی^۴ دو فرایند مرتبط با هم هستند که به ترتیب با عمل کردن در دو سطح جهانی و محلی، بر جریان هویت تأثیر می‌گذارند. بر این مبنای فرضیه محوری محقق در این مطالعه این است که

1- Glocalisation

2- Robertson

3- Homogenisation

4- Heterogenisation



معرفی و نقد کتاب:

جهانی شدن، آمریکایی شدن و هویت مسلمانان بریتانیا

Ameli, Saied Reza (2002) *Globalisation, Americanisation and British Muslim Identity*, London: ICAS Press, Pages: 308. (عاملی، سعیدرضا (۲۰۰۲) جهانی شدن، آمریکایی شدن و هویت مسلمانان بریتانیا، لندن، انتشارات ICAS، ۳۰۸ صفحه)

مقدمه

کتاب حاضر که توسط دکتر سعیدرضا عاملی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی

نمونه‌ها به صورت احتمالی و غیراحتمالی از میان، دانش‌آموزان سال‌های آخر دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی و نیز دانشجویان دانشگاه‌ها انتخاب شده‌اند که از این میان، حدود نیمی از آنها را دانشجویان مدارس اسلامی تشکیل داده‌اند.

کتاب در هشت فصل تنظیم شده است. سه فصل نخست از این کتاب، شامل مباحث نظری است که دو فصل نخست به ترتیب به بررسی ویژگی‌های پدیده جهانی شدن، فرایندهای همگون و ناهمگون‌سازی پرداخته و فصل سوم نیز به بررسی ابعاد تاریخی و تغییراتی که شکل‌گیری هویت مسلمانان را تحت‌الشعاع قرار داده است می‌پردازد.

مروری بر ویژگی‌های جهانی شدن

در فصل اول مروری بر ویژگی‌های جهانی شدن، فشرده شدن زمان و مکان، ارتباطات سریع، سرعت بروز تغییرات، وجود توأمان فرایندهای عام‌گرایی و خاص‌گرایی، بسط تنوع فرهنگی و دینی، تغییر ابعاد غیرشناختی و بالاخره بی‌پناهی و بی‌ریشه‌گی از جمله خصوصیات برجسته فرایند جهانی شدن معرفی شده است.

نویسنده با توجه به چند وجهی بودن پدیده جهانی شدن، آن را محصول نهایی

جهانی - محلی شدن چگونه بر همگون شدن هویت مسلمانان در سطح محلی تأثیر می‌گذارد و در همان حال، نیروهای جهانی چگونه به ناهمگون شدن هویت مسلمانان در سطح جهان می‌انجامند.

نویسنده انتخاب بخش برنت^۱ در شمال غرب شهر لندن را به واسطه جمعیت قابل توجه مسلمان در آن منطقه و نیز تنوع قومی و نژادی این جمعیت، به‌عنوان نمونه‌ای از جمعیت کل مسلمانان انگلیس دانسته و تجمع سازمان‌ها و نهادهای اسلامی در این بخش از شهر را ناشی از تلاش اجتماع مسلمانان برای زیستن به‌عنوان نمونه‌ای از یک اجتماع مسلمانان و نه لزوماً سکونت در محیطی بیگانه، فرض می‌کند. (ص ۱۲۰)

اطلاعات تحقیق عمدتاً از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. اطلاعات نهایی براساس پیمایش انجام شده در دو گروه ۲۴۷ و ۶۷ نفری و نیز انجام مصاحبه‌های نیمه استاندارد با ۳۰ پاسخگو حاصل شده است. نمونه‌های انتخاب شده شامل مسلمانانی است که در بریتانیا متولد و رشد یافته و در تعامل زیادی با جامعه وسیع‌تر قرار داشته‌اند و از این‌رو، مخاطبین تحقیق را عموماً جوانان نسل دوم و یا سوم مهاجرین تشکیل می‌دهند.

جهان نداشته و معتقدند که هر پدیده واحدی می‌بایست در چهارچوب یک نظام جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و این به منزله غلبه یک فرهنگ جهانی نیست. (ص ۵۲)

نسبی‌گرایان علی‌رغم پذیرش مفهوم فرهنگ جهانی، تنوع و تکثرگرایی روزافزون را در این فرهنگ مورد تأکید قرار می‌دهند. طرفداران این نظریه، اعتقادی به شکل‌گیری فرهنگی واحد و یکپارچه ندارند و همگونی کامل فرهنگ‌ها را در آینده نزدیک غیرمحتمل می‌پندارند. (ص ۵۴)

طرفداران افراطی بازآفرینی [فرهنگی]، روند کنونی حرکت به سوی جهانی شدن را در برگرفته ترکیب هویت‌ها و فرهنگ‌های قدیمی و جدید می‌پندارند. تأکید این دسته، بر مکانیسم تغییراتی است که در عرصه فرهنگ در حال وقوع است. نظریه‌پردازان این مکتب، فرهنگ را فراتر از واقعیات اجتماعی و نیز فارغ از عوامل ساختی و محدود کننده زندگی اقتصادی، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت و مکان زندگی می‌پندارند و فرهنگ سومی را به صورت مستقل در حال شکل‌گیری می‌بینند. (ص ۵۵)

فراساختارگرایان بر مبادله اطلاعات و تعمیق بخشیدن به تعامل گفتمان بین فرهنگ و تمدن اصرار داشته و به

طیف گسترده‌ای از عناصر و سوگیری‌هایی می‌داند که به صورت مختلف بیانگر ساختارهای درهم تنیده فنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی واقعیات دنیای امروز است. (ص ۴۶)

ادامه فصل، مروری بر نظریه‌های عمده جهانی شدن فرهنگ است که نویسنده آنها را در شش دسته جهان‌گرایان افراطی^۱، تشکیک‌گرایان (نظریه نظام جهانی)^۲، نسبی‌گرایان^۳، بازآفرینان^۴، فراساختارگرایان^۵ و تحول‌گرایان^۶ طبقه‌بندی می‌کند.

طرفداران افراطی جهانی شدن، پدیده فرهنگ جهانی را وجه اجتناب‌ناپذیری از فرایند جهانی شدن می‌دانند و براین نظرند که فرهنگ، اقتصاد و نظام سیاسی جهانی خاصی بر کل جهان حاکم خواهد شد. (ص ۵۱)

دیدگاه کل‌نگرانه تشکیک‌گرایان، جهانی شدن را تنها یک اسطوره می‌خواند. این دسته، اعتقاد به اندیشه فرهنگ جهانی و سلطه یک فرهنگ بر

1- Hyperglobalisers

2- Sceptics

3- Relativists

4- Reproductionalists

5- Poststructuralists

6- Transformationalists

برگیرنده نظریات نسبی گرایان، بازآفرینان فرهنگی و فراساختارگرایان می‌باشد.

همگون‌سازی و ناهمگونی

در فصل دوم کتاب، نویسنده همگون‌سازی و ناهمگونی را به‌عنوان تأثیرات متناقض فرایند جهانی شدن بر فرایند هویت‌یابی و به‌ویژه هویت‌یابی مذهبی مورد بحث قرار می‌دهد. با سرور ادبیات فرهنگ جهانی شدن و به‌عنوان چهارچوب راهنمایی برای مطالعه تجربی، همگون‌سازی و ناهمگون‌سازی حاصل تعامل و اصطکاک نیروهای محلی و جهانی و نیز نیروهای تاریخی تلقی شده‌اند و الزامات این دو فرایند بر هویت دینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نویسنده در ابتدای فصل، به بررسی رابطه جهانی شدن، غربی شدن و آمریکایی شدن پرداخته و اروپا محوری، آمریکایی شدن و دمکراتیزه کردن جهان را از اجزاء اصلی و مهم در فهم فرایند غربی شدن تلقی نموده است. با این حال، فرایند جهانی شدن، ذاتاً به موازات خود فرایند رقیب‌یابی را رشد می‌دهد که فراساختارگرایان از آن به جهانی شدن معکوس تعبیر می‌کنند. براساس این دیدگاه، تنها نیروی همگون‌سازنده در عصر حاضر، فرهنگ آمریکایی نیست؛

موازات شکل‌گیری فرهنگ مسلط غربی، بر شکل‌گیری جهانی شدن معکوس^۱ نیز اشاره دارند. بدین ترتیب، جهانی شدن تنها خصلت فرهنگ غربی و منحصر به آن نیست، بلکه فرهنگ‌های شرقی نیز به‌صورت فزاینده، خود را در عرصه جهان گسترش می‌دهند. (ص ۵۶)

و سرانجام تحول گرایان قائل به تغییر بنیادین واقعیات اجتماعی در شرایط کنونی بوده و جهانی شدن را نیروی محرکه اصلی تغییرات سریع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌دانند که جوامع مدرن و نظام جهانی را از نو شکل داده است. تحول‌گرایان تداخل و امتزاج فرهنگ‌ها و افراد را شکل‌دهنده ترکیب‌های فرهنگی^۲ و شبکه‌های فرهنگ جهانی می‌دانند. (ص ۵۸)

تعامل بین نیروهای محلی و جهانی از نظر تحول‌گرایان، به قدرت‌های ملی و فرهنگ‌های محلی امکان بازآفرینی صورت جدیدی از اقتدار ملی را می‌بخشد. (ص ۵۹) در پایان فصل، با توجه به قدرت تبیینی و انعطاف‌پذیری و توجه رویکرد تحول‌گرایان به پدیده جهانی شدن، نویسنده این مکتب را نظریه فراگیری تلقی نموده که در

1- Reverse Globalisation

2- Cultural hybrids

هویت‌های فرهنگی و فردی را تضعیف می‌کند اما به آفرینش و تجدید حیات هویت‌های خاص نیز می‌انجامد. (ص ۸۳)

برای نسبی‌گرایان، جهانی شدن شامل شکل‌گیری مجدد هویت بواسطهٔ تعامل و گفت‌وگوی نیروهای جهانی - محلی است. در این حالت، کنشگران برای رفع تنش حاصل از این تعامل، هویت خویش را از نو تنظیم می‌کنند. به‌علاوه، نسبی‌گرایان شرایط جدید نظام جهانی را به واسطهٔ افزایش ارتباطات بین فرهنگی، زمینه‌ساز تغییر فرهنگ ثابت به فرهنگ نسبی و یا حرکت از مطلق‌گرایی به نسبی‌گرایی می‌دانند که خود تقویت فردگرایی را به دنبال دارد. (ص ۸۵)

از دید نظریه‌پردازان بازآفرینی فرهنگی، شرایط نوین حاصل از فرهنگ جهانی، امکان شکل‌گیری مجدد و احیاء هویت‌های مذهبی را نیز فراهم می‌سازد و یکسره به تهی شدن هویت از عناصر و معیارهای ثابت ارزشی منتهی نمی‌شود. تعامل عناصر محلی و جهانی هویت‌ساز هم‌چنین می‌تواند شکل‌گیری هویت‌های ترکیبی را مشروعیت بخشد و به افزایش معرف‌ها و قلمروهایی منتهی گردد که هویت براساس آن تعریف می‌شود. (ص ۸۸)

بلکه هویت‌ها و فرهنگ‌های خاص دیگر نیز می‌توانند خصلتی جهانی یابند. (ص ۷۴)

به‌علاوه، خصلت چندوجهی بودن جهانی شدن، از نظر برخی نظریه‌پردازان از جمله رابرتسون، نه تنها غیردینی شدن را به دنبال ندارد، بلکه تقویت مجدد گرایش‌های دینی و سیاسی شدن مجدد آن را نتیجه داده است. از این‌رو، بنیادگرایی اسلامی را می‌توان به تعبیر ترنر، واکنش و مقاومتی نسبت به فرایند ناهمگون‌سازی فرهنگی و اجتماعی و درمقابل تلاش برای تفکیک‌زدایی^۱ این تمایزات دانست، (ص ۷۷) اگرچه این تلاش خود ممکن است دفاع فرهنگی از نوگرایی در برابر وضعیت پُست مدرن تلقی شود. (ص ۷۸) بدین ترتیب، نوگرایی با ابزارهای نوین و سریع ارتباطی خود اسلام را به صورت فزاینده‌ای در معرض ارزش‌های غربی قرار می‌دهد و در همان حال، خود نیز سازوکاری را برای ابراز هویت جهانی اسلام فراهم می‌سازد.

ادامه فصل به تأثیرات فرایند ناهمگون‌سازی در جهانی شدن پرداخته و دیدگاه‌های نظری مختلف در این زمینه را مورد بررسی قرار داده است. از نظر تحول‌گرایان، نظام جهانی

ابعاد تاریخی هویت مسلمانان

فصل سوم کتاب، ابعاد تاریخی هویت مسلمانان را مورد توجه قرار می‌دهد. نویسنده بُعد تاریخی را که بر آگاهی و دریافت خودآگاه و ناخودآگاه مسلمانان تأثیر می‌گذارد، تکمیل‌کننده ابعاد محلی و جهانی هویت‌ساز می‌داند. این هویت تاریخی از ابتدا تاکنون به‌طور مستمر تداوم و تکامل یافته و هیچ‌وقت خصلتی ایستا نداشته است. با این حال، آنچه ویژگی این تداوم و پویایی بوده است، ترکیب آن با فرهنگ محلی و ریشه یافتن در آن بوده است. نویسنده هویت دینی را متشکل از دو وجه جهت‌گیری درونی یا احساس هویت دینی و تجلی بیرونی (عینی) آن می‌داند. این دو عنصر در تعامل دائم با یکدیگر قرار دارند. در ادامه این فصل، تحولات تاریخی هویت مسلمانان، براساس دو حرکت از سنت به نوگرایی و از نوگرایی به فرانوگرایی در سه طبقه کلی قرار گرفته است. البته این طبقه‌بندی بیش از آنکه ناظر به تاریخ جامع تحولات در اسلام باشد، از منظر جامعه‌شناختی مروری کلی بر عناصر تأثیرگذار و شکل‌دهنده هویت است. این سه مرحله یا دوره، شامل دوره سنتی (قرون هفتم تا هفدهم)، دوران مدرن و

دوره پست مدرن (عصر جهانی شدن) می‌شود که هر یک با تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاصی همراه است. برای مثال، نویسنده شکل‌گیری هویت دینی مسلمانان در دوره نوسازی را متأثر از سه ویژگی فرایندسازی، ایجاد همانندی در نظام‌های تعلیم و تربیت و ناسیونالیسم می‌داند. (ص ۱۰۸) با این حال، بیشترین تغییرات در هویت‌یابی دینی مسلمانان را باید با عصر جهانی شدن مرتبط دانست که نویسنده با الهام از ترنسر آن را از بسیاری جهات نوعی فرایند غیردینی شدن می‌داند.

در مجموع، استنباط ارائه شده از مرور تحولات تاریخی هویت دینی مسلمانان، شکل‌گیری آن براساس عناصر متنوع است. اما آنچه که ویژگی بارز این هویت است، متغیر بودن آن است. این هویت در تعامل با زمان، مکان و عناصر فردی و اجتماعی تشکیل‌دهنده هویت تغییرپذیر است و در همان حال، در مبانی و اساس خود نیز شکلی واحد دارد. بدین ترتیب، نقطه قوت این هویت، توانایی آن برای حفظ تنوع در وحدت و ترکیب صورت‌های فرهنگی - اجتماعی متنوع بیرونی با روح دینی به‌عنوان عنصری وحدت‌بخش است. از این‌رو،

می‌پندارد و براین اساس و ملهم از نوع‌شناسی عمومی کاستلز^۴ از هویت در جامعه مدرن (تفکیک هویت به انواع مشروع کننده^۵، آزماینده^۶ و مقاومتی^۷)، نوع‌شناسی هشتگانه خود را از انواع هویت به شرح زیر ارائه می‌کند: هویت ملی‌گرا (ملی‌گرایی)، هویت سنتی (سنت‌گرایی) هویت اسلام‌گرا (اسلامی)، هویت مدرن (مدرنیسم)، هویت غیردینی، هویت انگلیسی شده (غربزده)، هویت ترکیبی و هویت مردد. البته انواع ارائه شده، در ویژگی‌هایی اشتراک و افتراق دارند و براساس ویژگی‌هایی که با هر یک همراه است، قابل تقییل به نوع‌شناسی سه‌گانه کاستلز می‌باشند. ویژگی‌های هر یک از انواع ارائه شده به اختصار عبارتند از: (صص ۱۳۹-۱۳۴)

۱- هویت ملی‌گرا: افراد این گروه برای الگوهای رفتاری و هنجارهای ملی‌گرایانه اهمیت زیادی قائلند.

۲- هویت سنتی: افرادی را در بر می‌گیرد که همه ابعاد زندگی فرهنگی و اجتماعی خود را براساس هنجارها و ارزش‌های مذهبی هدایت می‌کنند.

قطع نظر از تنوع در زمینه‌ها و بستر اجتماعی هویت، هسته اصلی مسلمانان کاملاً قابل شناسایی است. (ص ۱۱۱)

یافته‌های تجربی تحقیق

فصل چهارم تا هفتم کتاب به یافته‌های تجربی اختصاص دارد و به ترتیب به تشریح ویژگی نمونه و نوع‌شناسی ارائه شده، تحلیل نقش نیروهای جهانی بر هویت مسلمانان و تحلیل فرایند همگون‌سازی و ناهمگون‌سازی و رابطه آن با جهانی شدن اختصاص دارد.

بخش عمده فصل چهارم به معرفی نوع‌شناسی‌های^۱ ارائه شده از مسلمانان انگلیس و اروپا براساس سوگیری‌های ایدئولوژیک (به‌ویژه تیپولوژی و نوع‌شناسی شپرد^۲ و رمضان^۳) اختصاص دارد. مؤلف با ناکافی دانستن جهت‌گیری‌های مذهبی در ارائه هرگونه نوع‌شناسی از اقلیت‌های مسلمان و با اقتباس رویکردی جامعه‌شناختی، مسلمانان را قطع نظر از وابستگی‌های ایدئولوژیک آنان، پدیده‌ای اجتماعی

4- Castells

5- Legitimising

6- Projective

7- Resistance

1- Tipology

2- Shepard

3- Ramadan

می‌پردازد. نویسنده در این بخش با استناد به یافته‌های تجربی، این گونه استدلال می‌کند که اجتماعات سنی مذهب مسلمانان گرایش بیشتری به ادغام با جامعه انگلیس دارند که این گرایش به نوبه خود آنها را بیش از گروه‌های شیعه مستعد پذیرش ارزش‌های لیبرال و غیردینی می‌سازد. (ص ۱۴۳) اگرچه نسبت بسالایی از هر دو گروه، دین را شیوه کاملاً فراگیری برای زندگی می‌دانند، با این حال نتایج بیسانگر تداوم بیشتر گرایش‌های حداقل گرایانه گروه‌های سنی به دین در مقایسه با گروه‌های شیعه است. در خصوص اعتقاد و ضرورت حجاب و جهاد نیز این تفاوت معنی‌دار به چشم می‌خورد و در تعیین آن، به سابقه سکونت بیشتر و مجاورت طولانی این اجتماعات با جامعه بریتانیا اشاره شده است. (ص ۱۴۵) در مجموع، گرایش به همنوایی با ارزش‌های مسلط و غیردینی شدن اقلیت‌های مسلمان متأثر از سکون و فضای عاری از تنش در نظام سیاسی انگلیس و رواج فرهنگ تحمل و مصالحه در این کشور می‌داند که به نوبه خود اقلیت‌های مهاجر را تحت تأثیر قرار داده است. (ص ۱۴۵)

۳- **هویت اسلام‌گرا:** تأکید این گروه بر مبانی و اعتقادات اسلام بوده و اسلام را نوعی ایدئولوژی سیاسی می‌دانند.

۴- **هویت مدرن:** تلاش این گروه برای تطابق با شرایط رایج فرهنگی و اجتماعی است و اختلاطی از سنت و مدرنیسم را پذیرفته‌اند.

۵- **هویت غیردینی:** این دسته به دنبال عقلانی کردن دین یا جدایی آن از سیاست و اقتصاد هستند.

۶- **هویت غربزده:** این گروه جذب فرهنگ بریتانیایی شده و خود را با هنجارها و رسوم جوامع غربی تطبیق داده‌اند.

۷- **هویت ترکیبی:** این دسته هویت متمایزی ندارند. هویت آنها شکل گرفته از تعلقات ریشه‌دار سنتی و محیط جدیدی است که در آن زیست می‌کنند.

۸- **هویت مردود:** عمدتاً در برگزیده جوانانی است که گرایش هویتی خاصی در جهت سنتی یا مدرن ندارند.

جهانی شدن و مسائل روزمره مسلمانان

فصل پنجم به بررسی رابطه "فهم دینی"، "عمل دینی"، "اعتقاد دینی"، "روابط اجتماعی" و مسائل روزمره زندگی مسلمانان با فرایند جهانی شدن

واکنشی به محدودیت‌های اجتماعی و عوامل کنار گذارنده است. با بررسی نظر پاسخگویان به شبکه‌های ماهواره‌ای، نویسنده نشان می‌دهد که پاسخگویان عموماً برنامه‌های آن را در تضاد با تصوراتی که از هویت مسلمانان دارند می‌بینند، (ص ۱۵۳) با این حال ارتباطی منفی بین تماشای شبکه ماهواره‌ای و درجه مذهبی بودن به چشم می‌خورد. متغیرهای دیگر این بخش بیانگر تأثیر برنامه‌های تلویزیونی بر نگرش پاسخگویان بر هویت دینی خویش است. آن دسته که بیشتر به فیلم‌ها و ستاره‌های غربی علاقمند هستند، اعتقاد بیشتری به تکثرگرایی دینی دارند. (ص ۱۵۹) از سوی دیگر این تحقیق نشان می‌دهد که آن دسته که تمایل بیشتری به فیلم‌های غربی دارند، اسلام را بیشتر یک ایمان فردی می‌دانند تا یک فلسفه اجتماعی.

مقایسه متغیرهای مربوط به اعتقادات و اصول دینی با مصرف رسانه‌ای (تلویزیون) حکایت از آن دارد که اگرچه جهانی شدن بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره را تحت‌الشعاع قرار داده است، با این حال مؤلف با الهام از ترنر این تأثیرات را بر اعتقادات و مبانی دینی معنی‌دار نمی‌یابد. (ص ۱۶۸)

وی در بخش دیگری از این فصل، تأثیر "صنایع جهانی" و به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی را بر هویت مذهبی مورد مطالعه قرار داده است. مقایسه بهره‌مندی از رسانه‌ها براساس شاخص‌های جمعیتی، بیانگر مصرف بیشتر گروه‌های سنتی جوان و به‌ویژه مردان است. تماشای بیشتر تلویزیون از جانب پسران نیز معلول فرهنگ مردسالار و سنتی حاکم بر خانواده‌های جوانان مسلمان است که با انگیزه حراست از زنان، با اعمال استانداردهای دوگانه، محدودیت بیشتری برای فرزندان دختر قائلند. (ص ۱۴۹)

هم‌چنین بررسی میزان بهره‌مندی پاسخگویان از رسانه‌های تصویری (به‌ویژه تلویزیون) بیانگر سهم بسیار بیشتر آن نسبت به دیگر فعالیت‌های فراغتی و سرگرم‌کننده همچون پرداختن به ورزش و رفتن به کلوپ‌ها و بارها می‌باشد. این توجه زیاد به تلویزیون‌های کابلی و ماهواره‌ای را نویسنده، معلول فرصت‌های محدودتر در عرصه عمومی برای حضور، تعامل و انتخاب سرگرمی به واسطه پیشداوری‌ها و تبعیض‌های نژادی و قومی می‌داند. (ص ۱۵۲) به این ترتیب، سرگرم شدن در عرصه خصوصی خانواده و با استفاده از تلویزیون بیش از آنکه انتخابی باشد،

در مجموع، استنباط به عمل آمده از روابط مشاهده شده این است که تنوع انتخاب، اگرچه اساس اعتقادات دینی مسلمانان را چندان تحت الشعاع قرار نداده است، با این حال، تمرکز و توجه مخاطبین را از حوزه فعالیت‌های دینی منحرف ساخته و به‌عنوان نیروی عمل می‌کند که از اهمیت دین در زندگی روزمره می‌کاهد. (ص ۱۸۳)

جهانی شدن و فرایند همگون‌سازی

فصل ششم رابطه جهانی شدن با فرایند همگون‌سازی و به‌ویژه آمریکایی شدن را به‌عنوان صورت غالب همگون‌سازی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد و ماهیت، اجزاء و ملزومات هویت "مسلمان بریتانیایی" را تشریح می‌کند.

از نظر مؤلف، هویت مسلمان بریتانیایی نتیجه ترکیب بُعد فرهنگی اسلام، که ریشه در فرایند عمیق تاریخی دارد و هویت فرهنگی بریتانیایی است که خود ماهیتی ناپایدار دارد. (ص ۱۸۹) این ترکیب که پاسخ‌گویان بعضاً به‌صورت صریح و یا مبهم بدان اشاره داشتند، با اتکاء به داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه‌های نیمه‌استاندارد مورد بحث قرار گرفته است. آنچه که از این داده‌ها استنباط می‌شود،

تنوع در تفاسیری است که پاسخ‌گویان از هویت مسلمان بریتانیایی ابراز داشته‌اند که منطبق با نوع‌شناسی ارائه شده از آنها در فصل چهارم کتاب است. پاسخ‌ها نشان می‌دهند که اگر چه ثبات و تداوم وجه مشخصه غالب هویت مسلمانان سنت‌گرا و اسلام‌گرای بریتانیاست، با این حال به ضرورت ایسن هویت درجه‌ای از تغییرپذیری و اصلاح را تجربه می‌کند. (ص ۱۹۴) به نظر می‌رسد پیکربندی و تعریف مجدد از هویت سنتی و یا سنتی شدن مجدداً پاسخی باشد که بسیاری از مسلمانان بر می‌گزینند. (ص ۱۹۵)

از نظر اکثریت مسلمانان مصاحبه شده در تحقیق، فرهنگ فراملیتی^۱ معادل با فرهنگ فاسد و مخربی است که بسیاری از وجوه فرهنگ مسلمانان را بی‌ارزش ساخته است. (ص ۲۰۲) مسلمانان مصاحبه شده بر بحران نهفته در عرصه فرهنگی جوامع غربی تأکید زیادی نشان داده‌اند و این فرهنگ را، به‌ویژه نوع آمریکایی آن را به مثابه صنعتی تلقی می‌کنند که تأثیرات فراگیری بر نگرش و رفتار جامعه

1- Retraditionalisation

2- Transnational

سویی تصور، ایده‌آل و نیز ابعاد قابل سنجش عینی امت، خصلتی جهانی یافته است و مسلمانان می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و از سوی دیگر، در مقابل چنین زمینه‌های پیوند دهنده‌ای، تمایز گروه‌ها و خرده‌گروه‌های مختلف که در جامعه مسلمانان وجود دارد، وضوح و شدت بیشتری می‌یابد. (صص ۲۲۲ و ۲۲۳)

بدین ترتیب، جهانی شدن با از میان برداشتن مرزها و مرزبندی‌ها از طرفی مروج امت واحد اسلامی و نزدیک کننده آنها به یکدیگر است و از طرف دیگر، با ایجاد تنوع در صور ابراز هویت فرهنگی به تکرر و ناهمگونی منتهی می‌شود. شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی معارض با فرهنگ غربی در پاسخ به وجه همگون سازنده جهانی شدن است و نشان دهنده نوعی جهانی شدن معکوس و یا به تعبیر رابرتسون، ضدجهانی شدن^۲ است.

جهانی شدن و ناهمگونی‌های هویتی مسلمانان

فصل هفتم که آخرین فصل تجربی کتاب است جنبه‌های مختلف ناهمگونی‌های حاصل از فرایند جهانی

مسلمان به خصوص جوانان برجای گذاشته است. (ص ۲۰۷)

همگون شدن امت مسلمان، به مثابه روی دیگر پدیده جهانی شدن، مبحث دیگری است که در این فصل مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف با الهام از گیدنز، کاستلز و دیگر نظریه‌پردازان نوگرا، شکل‌گیری جهانی شدن معکوس را بازتاب موقعیت و شرایط نابرابری می‌داند که مسلمانان با آن روبه‌رو هستند. ناامنی‌ها و مخاطراتی که مسلمانان در مواجهه با یک فرهنگ بیگانه تجربه می‌کنند، ایجاد کننده هویت مقاومتی^۱ در میان آنان است. (ص ۲۱۹)

که تجلی آن گاه در شکل پرخاشگرانه و یا جنگ طلبی خود را پدیدار می‌سازد. در ادامه فصل، تاریخچه شکل‌گیری مفهوم "امت اسلامی" به اختصار مورد بحث قرار گرفته و فراگیری این مفهوم و متنوع بودن آن از تعلقات ملی‌گرایانه را عاملی بالقوه برای همگون‌سازی (عام‌گرایی) و نیز در مواردی خاص‌گرایی (ناهمگون‌سازی) آنها دانسته شده است. مؤلف معتقد است که فرآیند جهانی‌سازی دو پیامد به ظاهر متناقض را در شکل‌گیری هویت مسلمانان معاصر در برداشته است: از

است. (صص ۲۳۰ و ۲۳۱) بدین ترتیب، دو معیار گرایش به فعالیت سیاسی و گرایش نسبت به تداوم سنت دینی مبنای تمایز هویتی قرار گرفته است. شواهد تجربی ارائه شده بیانگر همسویی شدیدتر سنت‌گرایان با جنبه‌های مناسکی اسلام و نیز سیاسی بودن بیشتر اسلام‌گرایان است. (صص ۲۳۲)

مؤلف، اجزاء اصلی هویت نوگرا را میل به اصلاح جامعه از طریق فرآیند نوسازی و نیز اصلاح تفکر دینی براساس صورت‌های نوین اندیشه می‌داند (صص ۲۴۱) و با استناد به داده‌های آماری، ضرورت تغییرات اساسی در گفتار سنتی اسلامی و عملی بودن اصلاح و نوسازی را از ویژگی‌های رویکرد نوگرایان به اندیشه دینی می‌داند. (صص ۲۴۲)

هم‌چنین در توصیف ویژگی‌های هویت تجددگرا و با الهام از برگر^۱، به تفکیک غیردینی شدن ساختاری از غیردینی شدن ذهنی اشاره شده و نشان داده است که پاسخ‌گویان معتقد به تغییر اسلام سنتی، بیش از مخالفین این اعتقاد اسلام را فلسفه فردی برای زندگی می‌دانند.

شدن را بر هویت مسلمانان مورد بحث قرار می‌دهد. نویسنده براساس تیپولوژی انواع هویت‌های کاستلز، مسلمانان سنت‌گرا، اسلام‌گرا و ملی‌گرا را با هویت مقاومتی نزدیک می‌داند و معتقد است که تمام این انواع با استناد به فرهنگ اصلی که بدان تعلق دارند، "مقاومت" نشان می‌دهند. به همان سان، گروه‌های غریزده، غیردینی و نوگرا را به گونه هویت "مشروعیت یافته" نزدیک دانسته و وجه اشتراک آنان را تطابق با هنجارها و ارزشهای رایج جامعه می‌داند و سرانجام هویت‌های ترکیبی و مردّد را به هویت آزمایشی مربوط می‌داند که حاصل ترکیب فرهنگ اصلی و فرهنگ جدید به شمار می‌رود. (صص ۲۲۶ و ۲۲۷)

سپس با استناد به یافته‌های تجربی، محافظه‌کاری، جهت‌گیری مناسک‌گرایانه و بی‌تفاوتی نسبت به سیاست، ویژگی غالب سنت‌گرایان تلقی شده است. اعتقاد به تداوم و اهمیت سنت‌های دینی همراه با بی‌میلی به فعال‌گرایی مذهبی، ویژگی مسلمانان نوگرا و ضدیت با سنت‌های اسلامی و عدم آمادگی برای پذیرش هرگونه مخاطره‌پذیری در وارد کردن دین به نهادهای اجتماعی در جهت منافع اجتماع دینی نیز از ویژگی‌های نوگرایان تلقی شده

می‌دهند، بیشتر به انتخاب‌های سنتی توجه دارند.

در ادامه این فصل، نویسنده به توصیف و بررسی تجربی ویژگی‌های هویت غربزده، هویت ترکیبی و هویت مردد، پرداخته است. با توجه به شواهد تجربی، این استدلال مطرح شده است که هرگونه جهت‌گیری صریح نسبت به فرهنگ بریتانیایی، مانعی در جهت تقبل و انجام هنجارها و توصیه‌های رسمی دین می‌باشد و این ویژگی در گروه غربزده بارز است. هم‌چنین ویژگی برجسته هویت ترکیبی از نظر مؤلف، وجه ترکیبی و تعداد الگوهای فرهنگی اخذ شده نیست بلکه در بردارنده نوعی دوسویه‌گی^۳ درخصوص هر دو فرهنگ سنتی و مدرن است که خود زمینه‌ساز احساس آزادی عمل و بعضاً فرصت‌طلبی است. (ص ۲۶۰)

سرانجام آن‌چه توصیف‌کننده هویت‌های مردد به‌عنوان صورت دیگری از هویت ترکیبی است، رد فرهنگ‌های متنوعی است که فرد با آن مواجه است. (ص ۲۶۵)

تردید و ناتوانی در انتخاب و ترکیب عناصر فرهنگی، آنچنان‌که هویت‌های ترکیبی نشان می‌دهند، ناشی از ابهام و

نوع دیگر از هویت مورد بحث، هویت ملتی‌گراست. در این کتاب با تفکیک ملی‌گرایی از میهن‌پرستی^۱ که به‌مثابه مقوله‌ای ارزشی در فرهنگ اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است و وجود نشانه‌هایی از گرایش و علاقه به سرزمین مادری در نزد پاسخ‌گویان تجلی وجود فرهنگ دوزیستی^۲ در فرهنگ جهانی می‌داند. (ص ۲۵۱)

یافته‌های آماری مربوط به این متغیر نشان می‌دهد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌گویان خود را با فرهنگ سرزمین مادری والدین خود مرتبط می‌دانند. حدود یک سوم تمایل به ازدواج با فردی از کشور محل تولد خود دارند و عموماً تمایل به استفاده از غذاهای سنتی هستند. با این حال، نتایج به دست آمده عموماً رابطه معنی‌داری را بین درجه مذهبی بودن (با شاخص مرتب نماز خواندن) و ارجحیت‌های قومی در انتخاب همسر، نوع غذا، پوشش و دیگر موارد فعالیت‌های زندگی روزمره را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، گروه‌های سنتی و اسلام‌گرا که اهمیت بیشتری بر رعایت شعائر اصلی دینی

1- Patriotism

2- Diasporic

3- Ambivalence

دارد که برای سهولت در سه بخش شکلی، روشی و محتوایی به آن اشاره می‌کنیم:

ملاحظات شکلی

۱- شیوه تیربندی بخش‌ها و زیربخش‌ها در کتساب به صورت یکنواخت تنظیم نشده و در مواردی نیز غیر از شماره‌گذاری اصلی و فرعی، از علائم لاتین و یا ترکیب اعداد و حروف الفبا (مثلاً در صفحات ۲۷ تا ۳۵) استفاده شده است. به همین سان، انتخاب قلم درشت‌تر برای عناوین جداول، علاوه بر زیبایی متن، تفکیک بخش‌ها را نیز بهتر میسر می‌کند. شیوه تنظیم و ارائه جداول چندان جذاب نیست. علاوه بر ناهماهنگی در فواصل تاپ، ارزش‌های درصدی (که بعضاً به حروف چینی مرتبط است) و معدود موارد اشکال در محاسبه جمع سطرها یا ستون‌ها (مثلاً صفحه ۱۴۹). هم‌چنین استفاده از درصدهای سطری و ستونی در مواردی دشوار است. شاید بهتر بود که در همه موارد متغیر وابسته در ستون‌ها ذکر شده و تنها از درصدهای ستونی استفاده می‌شد و هم‌چنین در همه موارد درصدها با فراوانی‌های خام همراه می‌گشت.

سردرگمی‌هایی است که با جهانی شدن همراه شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از ارزش‌ها به‌ویژه ارزش‌های دینسی، مطلق بودن خود را از دست داده و به مفاهیمی نسبی تبدیل شده‌اند. (ص ۲۶۶) به علاوه، تنوع‌یابی بیشتر منابع و مراجع اقتدار ارزشی و کاسته شدن فعالیت‌های مذهبی فرآیند هویت‌یابی را با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو ساخته و بیشتر به ابهام و آشفتگی افراد دامن می‌زند.

کتاب جهانی شدن، آمریکایی شدن و هویت مسلمان بریتانیایی، تلاشی موفق در ارائه تصویری جامع از تکاپوی هویت‌یابی و شهروندی در میان اقلیت‌های مسلمان بریتانیا است. ارتباط مفاهیم پیچیده نظری با موضوعاتی که مسلمانان در زندگی روزمره با آن مواجهند و نیز مرتبط ساختن آرزوها و انتظارات آنان با بستر تاریخی و اجتماعی و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، کتاب را به اثری خواندنی تبدیل کرده است. طیف ادبیات نظری و تاریخی مرور شده گسترده است. تحلیل یافته‌های تجربی نیز کاملاً با مسائل نظری مرتبط بوده و نویسنده رابطه منطقی را بین آنها برقرار ساخته است. با این حال در جزئیات ملاحظاتی وجود

شده و انتخابی نویسنده در بخش‌های نظری (رویکرد آزمون نظریه) بوده که البته در این مهم، نویسنده کاملاً موفق بوده است.

۲- به همین‌سان، درخصوص داده‌های کمی تحقیق نیز جزئیات زیادی از نحوه نمونه‌گیری ارائه نشده است. اگرچه نمونه‌های انتخاب شده برای مطالعه کمی و کیفی از تنوع برخوردار بوده و بیانگر این است که مسلمانان از خاستگاه‌های قومی، فرقه‌ای، زبانی و جغرافیایی متعددی برخوردار هستند، با این حال این تنوع الزاماً انتخاب نمونه بزرگتر را جهت معرفی می‌طلبد. جامعه مسلمان انگلیس، چنان‌که نویسنده نیز اشاره داشته است، علیرغم اشتراک در سمبل‌های فرهنگی و تأثیرپذیری از ایدئولوژی و شیوه زندگی اسلامی، در بطن خود تنوعات و تفاوت‌های چشمگیری را برحسب زمینه‌های قومی، نژادی، زبانی و نیز آنچه که از آن به سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی یاد می‌شود؛ نشان می‌دهد، این تفاوت‌ها تعمیم نتایج از نمونه‌ای نسبتاً کوچک را به این جامعه دشوار می‌سازد. شهر لندن با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود، به‌عنوان متغیری مستقل، بر پیچیدگی‌های این مقایسه می‌افزاید. بدین ترتیب، علیرغم تصویرسازی دقیق

۲- در ارجاع به منابع مورد استفاده، شماره صفحاتی که عبارت و یا جمله‌ای از آن اقتباس شده، در مواردی نامشخص است (برای مثال صفحات ۱۳۲، ۱۳۳، ۵۷) و از این‌رو، تفکیک دیدگاه‌های نویسنده از بخش‌های استفاده شده از منابع گاه دشوار می‌نماید.

ملاحظات روش‌شناختی

۱- در بُعد روش شناختی و نحوه جمع‌آوری اطلاعات، توضیحات نویسنده در خصوص شیوه طراحی نمونه‌گیری کیفی، ناکافی به نظر می‌رسد. برای مثال مشخص نیست که آیا نمونه‌گیری به شیوه نظری^۱ و براساس نظریه میدانی^۲ انجام پذیرفته، یا آنکه انتخاب آنها مبتنی بر تطابق کلی با شرایط نمونه‌های تحقیق بوده است. به نظر می‌رسد که در استفاده از مصاحبه‌ها، توجه نویسنده بیشتر به مفهوم‌سازی ساده از داده‌ها معطوف شده و اساساً به دنبال دستیابی به مفاهیم و گزاره‌های نظری با رویکرد نظریه‌سازی نبوده است. به بیان دیگر، داده‌های کیفی تحقیق همچون داده‌های کمی در خدمت آزمون کردن اعتبار چهارچوب نظری تنظیم

1- Theoretical Sampling

2- Grounded Theory

و کلانی که از این مطالعه حاصل شده است، شاید بتوان آن را یافته‌های مطالعه "موردی" دانست که ضرورتاً نمی‌تواند قابل تعمیم به نمونه‌های مشابه باشد.

۳- نکته دیگری که تعمیم نتایج حاصل از مطالعه را به اقلیت‌های مسلمان جامعه بریتانیا با احتیاط همراه می‌سازد، سوگیری مذهبی نمونه‌های انتخابی است که مؤلف خود بدان اشاره داشته است. حدود ۴۵ درصد از پاسخ‌گویان دانش‌آموزان مدارس مذهبی بوده‌اند و از این‌رو قضاوت‌ها و سوگیری‌های رفتاری آنان بیش از دیگر نمونه‌ها از ارزش‌های دینی تأثیر پذیرفته است. از سوی دیگر، ترکیب مذاهب گوناگون پاسخ‌گویان با ترکیب جامعه مسلمان فاصله زیادی دارد. از مجموع پاسخ‌گویان، حدود ۴۵ درصد شیعه و مابقی سنی هستند در حالی که نسبت گروه‌های شیعه مذهب در کل جامعه انگلیس کمتر از ۱۵ درصد است و این تفاوت بر اعتبار نتایج تأثیرگذار است.

۴- ارائه یافته‌های تحقیق و توصیف و نمایش داده‌ها عموماً به خوبی صورت گرفته است. رعایت برخی نکات و ملاحظات می‌توانست بر کیفیت بخش تجربی تحقیق بیفزاید. استفاده از آمار استنباطی و آزمون معنی‌داری به صورت

یکنواخت و یکسان صورت نگرفته است. با توجه به معرف نبودن نمونه به لحاظ آماری و عدم دسترسی محقق به چهارچوب نمونه‌گیری، اساساً اتکاء به آمار توصیفی، کافی به نظر می‌رسد. تعداد خانه‌های (سطرها و ستون‌های) عموم جداول زیاد است. ادغام و ترکیب خانه‌های جدول در برخی موارد برای مقایسه کردن سهولت بیشتری به خواننده می‌دهد، ضمن آنکه با تغییر درجه آزادی، بر دقت استنباط‌های آماری نیز می‌افزاید.

۵- در مورد آزمون‌های آماری به کار گرفته شده، توضیحی داده نشده و به‌علاوه، در مواردی نیز این آزمون‌ها با نمونه‌های کوچک صورت گرفته است (مثلاً صفحه ۱۶۱) که از دقت نتیجه آزمون‌های آماری می‌کاهد.

ارزیابی کلی

۱- کتاب "جهانی شدن، آمریکایی شدن و هویت مسلمان بریتانیایی" تحلیلی کلان بر ساختار نیروهای فرهنگی مؤثر بر جریان هویت‌یابی اقلیت مسلمان است. چنان‌که اشاره شد، نوع‌شناسی به دست داده شده، از سوگیری دینی این جامعه و موقعیت آنها نسبت به فرآیند جهانی شدن تصویری

می‌کند. چنین ویژگی‌هایی ارتباط مستقیم و معنی‌داری با سطوح سرمایه فرهنگی و اجتماعی در دسترس گروه‌های مختلف دارد. بدین ترتیب هرگونه تحلیلی در موضوع هویت‌یابی و نقش محرک نیروهای جهانی، محلی و تاریخی بر آن را می‌بایست با عنایت به توانمندی‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در شبکه روابط فردی و بین فردی گروه‌های مختلف جستجو کرد.

وجود ذخیره‌ای از سرمایه اجتماعی نقش زیادی در ارتقاء همبستگی و تقویت احساس ادغام در میان جامعه مسلمان دارد و عدم دسترسی به آن می‌تواند فاصله‌گیری از هویت‌های قومی و دینی و تمایل به هویت‌یابی با نمادها و عناصر فرهنگی جامعه مسلط را توضیح دهد. البته سرمایه اجتماعی بسیار زیاد در درون گروه‌های قومی نیز خود تقویت‌کننده هویت‌های خاص گرایانه و مانعی در گفتمان عام گرایانه دینی و تلاش برای وحدت است. با ملاحظاتی فوق، در تحلیل علاقه گروه‌های شیعه و سنی به زندگی در انگلیس، توزیع تفاضلی سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط کشورهای مبدأ و زمینه‌های دیگر را می‌بایست مدنظر داشت. تمایل بیشتر مسلمانان سنی به هویت‌یابی با بریتانیا بیش از آنکه متأثر از آموزه‌های دینی

واقع‌بینانه از موقعیت اجتماعی و فرهنگی اقلیت‌های مسلمان به دست می‌دهد. با این حال به نظر می‌رسد که نظریه‌پردازی و طرح مسأله در موضوعات مربوط به هویت، انسجام و ادغام اجتماعی این جامعه را در چند سطح می‌توان مطرح کرد. آنچه که در این کتاب کمتر بدان اشاره شده و از بررسی تجربی دور مانده است نقش تقسیم‌بندی‌ها، شکاف‌ها و تنش‌های درون گروهی (بر مبنای مقولات قومی، جغرافیایی، زبانی، دینی و ...) در فرآیند هویت‌یابی جامعه مسلمان بریتانیاست.

از این‌رو، بخشی از جریان هویت‌یابی و نیروهای مؤثر بر آن را باید حاصل محدودیت‌های ساختاری (بیرونی) جامعه مسلط و نهادهای آن دانست و بخش دیگر را حاصل تعامل نیروها و سازوکارهایی دانست که در داخل و در بین این گروه‌ها در جریان است. بر پایه تحقیق نگارنده در موضوع انسجام و ادغام اجتماعی اقلیت مسلمان انگلیس، متغیرهایی همچون تحصیلات، داشتن مدارج تحصیلی و حرفه‌ای، تطابق با سبک زندگی شهری و یا کلان شهری، ازدواج‌های مختلط، هنجارهای ارتباطی و مهارت در زبان انگلیسی، یگانگی اقلیت‌های مسلمان را (به صورت ذهنی و عینی) با جامعه مسلط تسهیل

باشد، معلول سابقه طولانی‌تر سکونت و توفیق بیشتر آنها در بهره‌مندی از خدمات دولتی و مدنی است. چنین پشتوانه‌های نهادی و تلاش برای ادغام اجتماعی بیشتر در میان این گروه‌ها هم‌چنین می‌تواند محافظه‌کاری آنها را توضیح دهد.

۲- غلبه رویکرد کمی در این تحقیق الزاماً محدودیت‌هایی را در سنجش برخی از متغیرهای با سطح انتزاعی بیشتر به دنبال داشته است. از جمله این متغیرها می‌توان به مصرف فرهنگی اشاره کرد. برای مثال آنچه که در مورد متغیر مصرف غذا اهمیت دارد، تعریفی است که پاسخ‌گویان از رفتن یا نرفتن به مک دونالد دارند و یا در قالب سؤال پرسشنامه نمی‌توان استفاده بیشتر دختران از فضای خانواده را توضیح و مفهوم‌سازی کرد. به نظر می‌رسد این معانی و تفاسیر، کمتر با روش‌های پیمایشی قابل تحصیل هستند. هم‌چنین می‌توان از متغیرهایی همچون ارتباط اوقات فراغت و جهانی شدن و یا رابطه معرف فرهنگی و هویت دینی سخن گفت. اتکاء به معانی صوری برخی از این متغیرها، چنان‌که اشاره شد، علاوه بر آنکه سنجش را ناگزیر غیرمستقیم

می‌سازد (مثلاً در اندازه‌گیری متغیر آشفتگی در هویت "در صفحه ۲۶۶") گاه زمینه‌ها و شرایط خاص مؤثر بر انتخاب پاسخ‌ها را نیز پنهان نگاه می‌دارد. برای مثال انتخاب دوستان غیرمسلمان می‌تواند ناشی از اقتضات شبکه روابط اجتماعی - محلی و یا سرمایه اجتماعی باشد و نه ضرورتاً انگلیسی شدن افراد.

در مجموع، نویسنده در تلاش خود برای بررسی تجربی جهانی شدن فرهنگی و تشریح تأثیرات دوگانه آن بر جامعه مسلمان بریتانیا بسیار موفق بوده است. دست‌بندی و مطالعه عمیق ادبیات پراکنده و وسیع جهانی شدن، ارائه نوع‌شناسی قابل دفاع و دقیق از صورت‌های هویت‌یابی دینی مسلمانان، استفاده از مصاحبه‌های نیمه استاندارد در کنار پیمایش و توجه به نقش آگاهی تاریخی در فرآیند هویت‌یابی دینی، از ویژگی‌های ممتاز این تحقیق است و مطالعه این کتاب به علاقمندان و دانشجویان حوزه‌های جامعه‌شناسی فرهنگ و هویت، مطالعات فرهنگی و نظریه‌های فرهنگی توصیه می‌شود.

دکتر محمدسعید ذکائی